

ایضاح خوانش قرآنی "قناعت" به عنوان عاملیت بهم تنیدگی حیات طیبه در نهج البلاغه

سیدعلی سیدطاهرالدینی*

مهشید ایزدی**

نجمه وکیلی***

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱

چکیده

شیوه و نوع زیستی که خداوند به انسان معرفی می‌کند، حیات طیبه است که مظهری از حیات حقیقی خداوند است؛ حیاتی در جای جای خود پاکی و طهارت متبلور است و عاری از هر نوع خبثت و آلودگی است، از ایمان و عمل صالح شروع شده تا در مراتب کمال عبودیت، انسان را مقرب درگاه پروردگار خویش کند. در این مقاله به بررسی هم‌سازگاری و بهم تنیدگی حیات طیبه در نهج البلاغه با توجه به تعریف و مفهوم آن پرداخته شد. از جمله شاخص‌های مد نظر حیات طیبه اعم از قناعت و عمل صالح بر اساس خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی(ع) انتخاب و ضمن ارائه توضیحات و سپس شاخص‌ها، مستند گردید.

کلیدواژگان: حیات طیبه، نهج البلاغه، قناعت، عبودیت، قرآن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* گروه فلسفه-تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران.

** گروه فلسفه-تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران.

dr.izadi.mahshid1452@gmail.com

*** گروه فلسفه-تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: مهشید ایزدی

مقدمه

امام علی (علیه السلام) در این کلام نورانی به اهمیت قناعت و حُسن خلق اشاره می‌کند، و می‌فرماید: «كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا، وَبِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا». «مُلک قناعت برای انسان کافی است و حُسن خلق به عنوان نعمت». سپس سید رضی می‌افزاید: «از امام (علیه السلام) از تفسیر آیه ﴿فَلْتَحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ سؤال کردند، فرمود: «منظور از حیات طیبه قناعت است». امام (علیه السلام) در این گفتار حکیمانه به دو نکته مهم به زبان کنایه اشاره کرده است: نخست مُلک قناعت را برای انسان کافی می‌داند، زیرا کسی که به حداقل زندگی قانع شود نه نیازی به خلق روزگار دارد و نه محتاج به حاجت بردن نزد این و آن است، آرامشی بر وجود او حکمفرماست و لذتی را که او از زندگی توأم با قناعت خود می‌برد هیچ سلطانی از مملکت وسیع و گسترده خود نخواهد برد؛ و به گفته شاعر: مُلک آزادگی و گنج قناعت گنجی است که به شمشیر میسر نشود سلطان را تعبیر به «مُلک» (مملکت و کشور) اشاره به اهمیت فوق العاده قناعت است که گویی زندگی قانعانه معادل حکمرانی بر کشوری پهناور است.

همین معنا در ذیل گفتار حکیمانه ۵۷ به تعبیر دیگری گذشت، آنجا که فرمود: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ: قناعت مالی است که پایان نمی‌پذیرد». در خطبه قاصعه و موارد دیگر نیز کلامی از امام (علیه السلام) در فضیلت قناعت ذکر شده است. در حدیث پرمعنایی از امام صادق (علیه السلام) در کتاب «کافی» آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا: خدای متعال پیامبر خود را به فضائل اخلاقی اختصاص داده است. کسی که آن فضایل را داشته باشد خدا را به سبب آن شکر گوید و کسی که نداشته باشد از پیشگاه خداوند متعال آن را تقاضا کند».

راوی می‌گوید: از امام (علیه السلام) پرسیدم آن فضایل اخلاقی چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: «الْوَرَعُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَالْجِلْمُ وَالْحَيَاءُ وَالسَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْعَيْرَةُ وَالْبِرُّ وَصِدْقُ الْحَدِيثِ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ: تقوا و قناعت و صبر و شکیبایی و شکر و بردباری و حیا و سخاوت و شجاعت و غیرت و نیکوکاری و راستگویی و ادای امانت» (که مجموعاً دوازده صفت برجسته می‌شود). در حدیث دیگری از همان حضرت می‌خوانیم: «مَنْ قَنَعَ

بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَعْنَى النَّاسِ: کسی که به آنچه خدا به او روزی داده قانع باشد از غنی‌ترین مردم است». سعدی گویا از همین احادیث بهره گرفته که در «گلستان» خود از سائلی چنین نقل می‌کند که خطاب به گروهی از ثروتمندان چنین می‌گفت: «ای خداوندان نعمت! اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت رسم سؤال از جهان برخواستی. ای قناعت! توان گرم گردان که برای تو هیچ نعمت نیست گنج صبر اختیار لقمان است. هر که را صبر نیست حکمت نیست». در تفسیر «قناعت» تعبیرات مختلفی در منابع لغت و تعبیرات بزرگان آمده که تضادی با هم ندارند: بعضی قناعت را به معنای رضایت به آنچه خدا به انسان داده تفسیر کرده‌اند و برخی به راضی بودن به کم‌تر از نیازها و عده‌ای به رضایت به حداقل زندگی، و گاه گفته‌اند قناعت آن است که انسان در برابر آنچه خدا به او داده است خشنود باشد و بیش از آن را طلب نکند؛ و این همان حقیقتی است که بسیاری از بارهای زندگی را از دوش انسان برمی‌دارد. این سخن را به یک حدیث قدسی که مرحوم علامه مجلسی در جلد ۷۵ «بحار الأنوار» آورده است پایان می‌دهیم: «خداوند به داود وحی فرستاد ای داود! من پنج چیز را در پنج چیز قرار دادم و مردم آن را در پنج چیز دیگر جست‌وجو می‌کنند و به آن نمی‌رسند. من علم را در گرسنگی (کم خوردن) و تلاش و کوشش قرار دادم و مردم آن را در شکمبارگی و راحتی می‌طلبند و به آن نمی‌رسند. من عزت را در طاعت‌ام قرار دادم و آن‌ها آن را در خدمت سلاطین جست‌وجو می‌کنند و نمی‌یابند. غنا و بی‌نیازی را در قناعت قرار دادم و آن‌ها آن را در فزونی مال می‌طلبند و نمی‌یابند. رضایم را در مخالفت با نفس قرار دادم و آن‌ها آن را در رضایت نفس جست‌وجو می‌کنند و نمی‌یابند و راحتی و آسودگی را در بهشت قرار دادم و آن‌ها آن را در دنیا می‌طلبند و به آن نمی‌رسند. دومین نکته‌ای را که در اینجا امام (علیه السلام) به آن اشاره فرموده همان حسن خلق است که آن را نعمتی مهم و با عظمت شمرده و به راستی حسن خلق هم نعمتی است در دنیا، چراکه قلوب مردم را به انسان متوجه می‌سازد و همه به عنوان انسانی با فضیلت به او می‌نگرند و هم مایه نجات وی در آخرت است، زیرا در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم: «أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ: بیش‌ترین چیزی که امت من به وسیله آن وارد بهشت می‌شوند پرهیزگاری و حسن خلق است.»

در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است: «مَا يُوَضَعُ فِي مِيزَانِ امْرِئٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ: در ترازوی اعمال هیچ کس در قیامت چیزی بهتر از حسن خلق نگذاشته نمی‌شود». اما جمله اخیر امام(علیه السلام) اشاره به آیه شریفه ۹۷ سوره نحل است که می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، به طور مسلم او را حیات پاکیزه‌ای می‌بخشیم».

در تفسیر «حَيَاةً طَيِّبَةً» مفسران تعبیرات مختلفی دارند: بعضی آن را به قناعت آنگونه که امام(علیه السلام) در اینجا تفسیر فرموده، تفسیر کرده‌اند و برخی به عبادت توأم با روزی حلال و یا توفیق به اطاعت فرمان خدا؛ و روشن است که این امور با هم منافاتی ندارد و حیات طیبه همه آن‌ها مخصوصاً قناعت را شامل می‌شود، زیرا قناعت، انسان را بی‌نیاز از مردم و آزاد از پیچ و خم‌های زندگی ثروتمندان می‌سازد و فرد می‌تواند آسوده خاطر و سربلند زندگی کند.

«حیات» در لغت ضد «موت» است(واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۸۱۴). از آثار حیات، تحرک و تحسس است(مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۳۶۹). به باران «الحیَا» گفته می‌شود؛ به این علت که زمین مرده را زنده و به آن زندگی می‌بخشد(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۶۹). زمین حاصلخیز و پربرکت را «ارض حیه» گویند(فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۴: ۳۲۳). به غذای کودک که حیات‌اش بدان وابسته است «مُحَايَاة» گویند(ابن منظور، ۱۴۱۰ق). به چهره یا صورت «المُحَايَا» گفته می‌شود(فراهیدی، ۱۴۰۸ق) چون به واسطه آن، اثر حیات درک می‌شود(واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۸۱۵). هر انسان زنده و هر صاحب روحی را «حیوان» گویند(ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۱۴: ۲۱۴)؛ واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۸۱۵).

«طیب» در لغت به چیزی اطلاق می‌شود که فی نفسه مطلوب و به دور از آلودگی ظاهری و باطنی باشد، و نقطه مقابل آن، «خبث» است؛ یعنی چیزی که ظاهراً و باطناً آلوده، و فی نفسه مایه اکراه است(مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۱۵۱). در تعریف دیگر، طیب به چیزی که حواس و نفس از آن لذت ببرد اطلاق می‌شود(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۵۲۷).

پیشینه پژوهش

سلگی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه حیات طیبه و قناعت از منظر قرآن و تفاسیر» بیان می‌کند که قناعت فصل مقوم و عنصر اصلی حیات طیبه است. *آشناور* (۱۳۹۴) به معرفی قناعت به سود معقول در احادیث و سیره رضوی پرداخته است. در این مقاله سعی شده با مراجعه به منابع دست اول و حتی جدید به تبیین بحث قناعت به سود معقول در انواع معاملات بپردازد و نظر *امام رضا علیه السلام* در این بحث را استخراج نماید. کلانتری و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی همبستگی قناعت و آرامش روان از منظر *امام علی (ع)* در نهج البلاغه را معرفی می‌کند. در این نوشتار با استفاده از روش کتابخانه‌ای و استنادی، تحلیلی ابتدا عامل «قناعت» و نیز نقطه مقابل آن «حرص» را مورد تحقیق قرار داده و سپس همبستگی قناعت و آرامش روانی را بر مبنای سخنان *امام علی (ع)* در نهج البلاغه و اصول روان‌شناسی به بحث گذاشته و بر این اساس همبستگی وثیق عامل اخلاقی قناعت و نیل به آرامش روانی اثبات شده است.

حسین زاده (۱۳۸۹) به معرفی نقش قناعت در بهره‌مندی از زندگی می‌پردازد. یافته‌های اصلی این تحقیق ضرورت توجه به اهمیت قناعت، عوامل و راهکارهای ایجاد و تقویت آن، زمینه‌های مقابله با حرص، پدید آمدن آرامش و بکارگیری مهارت‌ها و فنون برای دستیابی به زندگی سالم است. هادی منش (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با «عنوان بررسی قناعت و خودبستگی در الگوهای رفتاری معصومین (ع)» به بازپروسی مفاهیم اخلاقی در سیره عملی ائمه معصومین (ع) می‌پردازد، و تلاش می‌نماید مفاهیم مذکور را در رفتارهای عملی و نه روایات معصومین (ع) بررسی نماید.

حیات طیبه از منظر مفسران

دیدگاه‌های مفسران درباره حیات طیبه را می‌توان در قالب چهار مورد بیان نمود:

۱. وقوع حیات طیبه در دنیا

دیدگاه اول، معتقد به وقوع حیات طیبه در دنیا است؛ زیرا با توجه به ادامه آیه ۹۷ سوره نحل که در آن سخن از جزای الهی به نحو احسن به میان آمده، استفاده می‌شود

که حیات طیبه مربوط به دنیا، و جزای احسن مربوط به آخرت است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰: ۲۶۷؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۳۹۴). قول اکثر مفسران بر این دیدگاه است.

بر اساس این دیدگاه، معانی و نظرات متفاوتی در این زمینه بیان شده است که عبارت‌اند از:

۱. قناعت: بنا بر فرموده امام علی (ع) و روایت وارده از حسن بصری، ابن عباس و زید بن وهب بن منبّه، مراد از حیات طیبه، قناعت است. در حکمت ۲۲۹ نهج البلاغه آمده: از حضرت علی علیه السلام سؤال شد: منظور از حیات طیبه چیست؟ حضرت در جواب فرمودند: زندگی با قناعت (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۶۷۷). البته مفهوم این سخن حضرت، محدود کردن حیات طیبه به قناعت نیست، بلکه منظور از آن، بیان مصداق و نمونه روشنی از آن است؛ زیرا اگر با وجود داشتن همه چیز، روح قناعت را از انسان بگیرند، برای او چیزی جز رنج و نگرانی باقی نمی‌ماند، ولی اگر انسان روح قناعت داشته باشد همواره آسوده خاطر است و در آرامش به سر می‌برد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۳۹۵).

- ۱- بنا بر روایت علی بن ابی طلحه از ابن عباس، مراد از حیات طیبه، سعادت است.
- ۲- بنا بر گفته مقاتل بن حیان، زندگانی در طاعت خداوند، مراد از حیات طیبه است.
- ۳- قتاده، رزق روز به روز را معنای حیات طیبه دانسته است.
- ۴- حیات طیبه یعنی رزق پاکیزه و عمل صالح.
- ۵- از ابن عباس، سعید جبیر و عطا و ضحاک روایت شده که مقصود از آن، رزق و روزی حلال است.
- ۶- ابوبکر الوراق آن را شیرینی طاعت معنا کرده است.
- ۷- بنا بر گفته ماوردی، عافیت و راضی بودن به قضاء الهی معنای حیات طیبه است (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق).

۲. وقوع حیات طیبه در آخرت

دیدگاه دوم، معتقد به وقوع حیات طیبه در آخرت است. از مجاهد، قتاده، ابن زید و حسن روایت شده که حیات طیبه همان زندگی در بهشت است؛ زیرا بهشت، حیاتی

است که مرگ، فقر، بیماری، هلاکت و شقاوت در آن راه ندارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰: ۲۶۸). برخی از مفسران نیز قایل به این دیدگاه هستند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ۴۶۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۴: ۵۵۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳: ۲۹۶).

۳. وقوع حیات طیبه در قبر

دیدگاه سوم، معتقد به وقوع حیات طیبه در قبر است. همانگونه که از سدی و شریک نقل شده، حیات طیبه در قبر حاصل می‌شود؛ زیرا انسان به واسطه مرگ، از رنج‌ها و سختی‌های دنیا آسوده شده و به آرامش می‌رسد (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۵۸۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰: ۲۶۸).

۴. حیات طیبه، حیات روحی و معنوی

برخی از مفسران، حیات طیبه را حیات روحی و معنوی دانسته و چنین گفته‌اند: مراد از احیاء «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً» بخشیدن و افاضه حیات است؛ و مقصود از حیات طیبه، در آیه شریفه این است که خداوند سبحان به انسان باایمانی که عمل شایسته انجام می‌دهد زندگی جدیدی، غیر از زندگی معمول عطا می‌کند. البته مقصود از این سخن، تغییر حیات نیست (مثل تغییر حیات خبیث به حیات طیب)؛ زیرا در این صورت، اینچنین می‌فرمود ما حیات او را طیب می‌کنیم. ولی فرمود: ما او را به حیات طیب زنده می‌سازیم. در عین حال، باید توجه داشت با اینکه حیات طیبه برای مؤمن حیاتی نو و اختصاصی است، ولی جدا از زندگی عرفی و عمومی مردم نیست؛ همانگونه که جمله ﴿يَمْشِي بِهٖفِي النَّاسِ﴾ (انعام/ ۱۲۲) چنین پیامی دارد. اختلاف حیات طیبه با زندگی معمولی در مرتبت و منزلت است، نه در عدد و شماره؛ بنابراین، کسی که دارای حیات طیبه است، دو گونه زندگی ندارد، بلکه زندگی‌اش نسبت به قبل قوی‌تر و واجد آثار بیش‌تری است. وصف آن به طیب نیز، گویای خالص بودن آن از هرگونه خبثات و آلودگی است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۳۴۳؛ جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۱۵؛ سلگی، ۱۳۹۷: ۱۲۳).

مفهوم قناعت در نهج البلاغه

وَقَالَ (عليه السلام) «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ». وقد روى هذا الكلام عن النبي (صلى الله عليه وآله). امام عليه السلام (در سود قناعت) فرموده است: ۱- قناعت دارایی است که نابود نمی‌شود (زیرا قناعت و خرسند بودن به آنچه رسیده نیازمندی را دور می‌سازد. سید رضی (رحمه الله) فرماید: «این فرمایش از پیغمبر صلی الله علیه و آله (نیز) روایت شده است.

وَقَالَ (عليه السلام): «كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكاً وَبِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيماً».

امام (عليه السلام) (در ترغیب به قناعت و خوی نیکو) فرموده است: ۱- با قناعت می‌توان پادشاهی نمود، و با نیکخویی به نعمت و ناز به سر برد.

وَقَالَ (عليه السلام): «كُلُّ مُقْتَصِرٍ عَلَيْهِ كَافٍ».

امام (عليه السلام) (در ترغیب به قناعت) فرموده است: ۱- هرچه (از روزی) که به آن می‌توان اکتفا نمود (زندگانی را گذراند) بس است (بهتر آن است که شخص گرد زیادی نگشته رنج بسیار به خود هموار ننماید و وقت‌اش را در راه خدا و خدمت به خلق صرف کند تا سعادت جاوید به دست آرد.

با توجه به اهمیت قناعت از منظر مولای متقیان می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بالاترین و مهم‌ترین ویژگی و ملاک حیات طیبه از منظر امام علی و نهج البلاغه قناعت است. ویژگی مهم بعدی اطاعت کامل از خداوند است. این خصوصیت در آن حد اهمیت دارد که مولا در صفحه ۱۱۶۷ می‌فرماید:

وَقَالَ (عليه السلام): «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ».

امام (عليه السلام) (درباره اطاعت مخلوق) فرموده است: ۱- اطاعت و پیروی مخلوق سزاوار نیست جائی که نافرمانی خدا در آن باشد (یا عبادت و بندگی جائز نیست آنجا که موجب معصیت باشد مانند نماز خواندن در زمین غصبی و جائی که به ستم گرفته شده است).

در صفحه ۱۱۰۴ در ارتباط با فروتنی افراد برای غیر از خداوند می‌فرماید:

وَقَالَ (عليه السلام): «وَقَدْ لَقِيَهُ عِنْدَ مَسِيرِهِ إِلَى الشَّامِ دَهَاقِينَ الْأَنْبَارِ فَتَرَجَّلُوا لَهُ وَاشْتَدُّوا بَيْنَ يَدَيْهِ مَا هَذَا الَّذِي صَنَعْتُمُوهُ فَقَالُوا خُلِقْنَا مِنْ نَعْتَمٍ بِهِ أَمْرَاءَنَا فَقَالَ وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا

أَمْرًاؤُكُمْ وَإِنَّكُمْ لَتَشْقُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ وَتَشْقُونَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ وَمَا أُخْسِرَ الْمَشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ وَأَرْبِحَ الدَّعَةَ مَعَهَا الْأَمَانُ مِنَ النَّارِ» (ص ۱۱۰۴).

امام (علیه السلام) هنگام رفتن به شام کدخدایان و بزرگان انبار (شهری در عراق) به آن حضرت برخورده، به تعظیم و احترام‌اش از اسب‌ها پیاده شده در پیش رکاب‌اش دویدند، فرمود: ۱- این چه کاری بود که کردید گفتند: این خوی ما است که سرداران و حکمرانان خود را احترام می‌نماییم، پس آن بزرگوار (در نکوهش فروتنی برای غیر خدا) فرمود: ۲- سوگند به خدا حکمرانان شما در این کار سود نمی‌برند و شما خود را در دنیااتان به رنج و در آخرتتان با این کار به بدبختی گرفتار می‌سازید (چون فروتنی برای غیر خدا گناه و مستلزم عذاب است) ۳- و چه بسیار زیان دارد رنجی (فروتنی برای غیر خدا) را که پی آن کیفر باشد، و چه بسیار سود دارد آسودگی (رنج نبردن برای خوش آمدن مخلوق) را که همراه آن ایمنی از آتش (دوزخ) باشد.

از این نظر که /امام علی به مقام ولایت رسیده‌اند بهترین راه برای حیات طیبه را برای مردم در نهج البلاغه بازگو می‌کند و پرده از اسرار برمی‌دارد. ایشان مهم‌ترین عمل در راستای اطاعت از فرمان خداوند را در پیروی از دستور خداوند می‌دانند. به طوری که در صفحه ۱۱۳۵ نهج البلاغه می‌فرمایند:

وَقَالَ (عَلِيهِ السَّلَامُ): «إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَحَدَّ لَكُمْ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَنَهَاكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَسَكَّتْ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَلَمْ يَدْعَهَا نِسْيَانًا فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا» (ص ۱۱۳۵).

امام (علیه السلام) (در پیروی از دستور خدا) فرموده است: ۱- خداوند بر شما امر کرده واجبات (مانند نماز و روزه و خمس و زکات و حج) را پس آن‌ها را تباه ننمائید (در انجام آن‌ها کوتاهی نکنید که به کیفر خواهید رسید) و حدودی (مانند احکام بیع و نکاح و طلاق و ارث) برای شما تعیین نموده از آن‌ها تجاوز ننمائید (به سلیقه خودتان رفتار نکنید که بیچاره می‌شوید) و شما را از چیزهایی (مانند زنا و لواط و قمار و شراب و رباخواری) باز داشته پرده حرمت آن‌ها را ندرید (بجا نیاورید که در دنیا زیان دیده در آخرت به عذاب جاوید گرفتار خواهید شد) و برای شما از چیزهایی خاموشی گزیده (مانند تکلیف کردن به تحصیل دانشی که برای آخرت سودی ندارد) و آن‌ها را از روی فراموشی ترک

نفرموده (چون خداوند منزّه از فراموشی است) پس در بدست آوردن آن‌ها خود را به رنج نیندازید.

برای قبول این روش / امام علی در راستای عظمت پروردگار می‌فرماید:
 وَقَالَ (عليه السلام): «عِظَمُ الْخَالِقِ عِنْدَكَ يَصْغُرُ الْمَخْلُوقَ فِي عَيْنِكَ».
 امام علیه السلام (درباره بزرگی خدا) فرموده است:

پی بردن تو به بزرگی آفریننده آفریده شده را در چشم تو کوچک می‌نماید (و بر اثر آن به آفریده شده اعتنا نکرده همیشه متوجه آفریدگار خود می‌باشی و سعادت دنیا و آخرت را به دست می‌آوری.

مولا راهکار مقابله با مشکلات پیش رو در حیات طیبه را نیز پناه به خداوند متعال می‌دانند.

وَقَالَ (عليه السلام): «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتْنَةٍ وَلَكِنْ مَنْ اسْتَعَاذَ فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ. وَمَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ لِيَتَبَيَّنَ السَّاحِطُ لِرِزْقِهِ وَالرَّاضِيَ بِقِسْمِهِ» (ص ۱۱۲۸).

«وَإِنْ كَانَ سُبْحَانَهُ أَعْلَمَ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَلَكِنْ لِيُظْهَرَ الْأَفْعَالُ الَّتِي بِهَا يُسْتَحَقُّ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ لِأَنَّ بَعْضَهُمْ يُحِبُّ الذُّكُورَ وَيَكْرَهُ الْإِنَاثَ وَبَعْضُهُمْ يُحِبُّ تَثْمِيرَ الْمَالِ وَيَكْرَهُ انْتِلَامَ الْحَالِ» (همان). و هذا من غريب ما سمع منه في التفسير.

امام (علیه السلام) (درباره پناه بردن از فتنه به خدا) فرموده است:

۱- نباید یکی از شما بگوید خدایا از فتنه و آزمایش به تو پناه می‌برم، زیرا کسی نیست که گرفتار فتنه نباشد، ولی کسی که پناه می‌برد باید از فتنه‌های گمراه کننده (از راه حق) پناه ببرد، چون خداوند سبحان (در قرآن کریم س ۸ ی ۲۸) می‌فرماید: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾ یعنی بدانید دارائی‌ها و فرزندان شما فتنه هستند، ۲- و معنی این فرمایش این است که خداوند سبحان آنان را به دارائی‌ها و فرزندان آزمایش می‌نماید تا آنکه خشمگین از روزی و راضی به بهره خود هویدا گردد، و اگر چه خداوند سبحان از خود آن‌ها به آن‌ها داناتر است، ولی آزمایش برای آن است که کردارهایی که شایسته پاداش و کیفر است (به خود ایشان) آشکار گردد، زیرا برخی از ایشان فرزندان پسر را

دوست دارند و از دختر برنجند، و بعضی از آن‌ها بسیار نمودن مال و دارائی را دوست داشته و از کم شدن آن برنجند. (سید رضی علیه الرّحمه فرماید): این فرمایش از جمله سخنان شگفتی است که از آن حضرت در تفسیر (و بیان آیه شریفه) شنیده شده است.

روزی حلال

یکی دیگر از خصایص حیات طیبه کسب روزی حلال است. / امام علی در نهج البلاغه درباره روزی می‌فرمایند:

وَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «تَنْزِلُ الْمَعُونَةَ عَلَى قَدْرِ الْمُتَوَنُّةِ».

امام (علیه السلام) (درباره روزی) فرموده است:

۱- کمک و یاری (روزی هر کس از جانب خدا) به اندازه نیازمندی (او) خواهد رسید.

همچنین در جای دیگر می‌فرمایند:

«وَقِيلَ لَهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لَوْ سَدَّ عَلَى رَجُلٍ بَابُ بَيْتِهِ وَتُرِكَ فِيهِ مِنْ أَيْنَ كَانَ يَأْتِيهِ رِزْقُهُ فَقَالَ مِنْ حَيْثُ يَأْتِيهِ أَجَلُهُ» (ص ۱۲۵۳).

امام (علیه السلام) را گفتند: اگر در خانه مردی را به رویش ببندند و او را در آن (بی) آذوقه) بگذارند روزی‌اش از کجا می‌آید؟ آن حضرت (درباره روزی) فرمود: ۱- از جایی که اجل و مردن‌اش می‌آید (از هر راه که مرگ می‌آید خدای تعالی قادر و توانا است که روزی را از آن راه بیاورد پس چنانکه در بسته از آمدن مرگ مانع نمی‌شود از رسیدن روزی هم مانع نمی‌گردد).

در ارتباط با انواع روزی حضرت در صفحه ۱۲۶۷ می‌فرمایند:

وَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «الرِّزْقُ رِزْقَانِ رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ. فَلَا تَحْمِلْ هَمَّ سَنَتِكَ عَلَى هَمِّ يَوْمِكَ كَمَا كَفَاكَ كُلُّ يَوْمٍ مَا فِيهِ فَإِنْ تَكُنِ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيُؤْتِيكَ فِي كُلِّ غَدٍ جَدِيدٍ مَا قَسَمَ لَكَ وَإِنْ لَمْ تَكُنِ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَمَا تَصْنَعُ بِالْهَمِّ لِمَا لَيْسَ لَكَ وَلَنْ يَسْبِقَكَ إِلَى رِزْقِكَ طَالِبٌ وَلَنْ يَغْلِبَكَ عَلَيْهِ غَالِبٌ وَلَنْ يُبْطِئَ عَنْكَ مَا قَدَّ قَدَرَ لَكَ». وقد مضى هذا الكلام فيما تقدم من هذا الباب إلا أنه هاهنا أوضح وأشرح فلذلك كررناه على القاعدة المقررة في أول هذا الكتاب.

امام (علیه السلام) (درباره روزی) فرموده است:

۱- روزی دو گونه است: روزی که تو آن را می‌طلبی و روزی که آن تو را می‌طلبد که اگر تو به سویش نروی به سویت خواهد آمد، ۲- پس اندوه سال خود را بر اندوه روز خویش بار مکن که هر روزی تو را روزی در آن کافی است، پس اگر سال (که غم روزی آن را می‌خوری) از عمر تو باشد خداوند تعالی در هر فردا که نو شود زود به تو برساند روزی که قسمت کرده است، و اگر سال از عمر تو نباشد چه کار داری غم خوری برای چیزی که برایت نیست، ۳- و هرگز روزی‌ات از تو پیشی نمی‌گیرد، و غلبه کننده‌ای بر آن به تو دست نخواهد یافت (تا آن را از چنگ برآید) و هرگز آنچه برایت مقدر شده کندی نخواهد نمود (به موقع خود می‌رسد. سید رضی (علیه الرحمه) فرماید: این سخن (هر کس روزی مقدرش خواهد رسید) پیش از این در این باب گذشت (فرمایش دو بیست و پنجاه و نهم) ولی چون در اینجا واضح‌تر و مشروح‌تر بود دوباره آن را بیان کردیم بنا بر قاعده و پایه‌ای که در اول این کتاب (صفحه بیستم) گذاشته شد.

در جای دیگر نوع دیگری از تقسیم بندی را می‌فرمایند:

وَقَالَ (عليه السلام): «الرِّزْقُ رِزْقَانِ طَالِبٌ وَمَطْلُوبٌ فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَهُ الْمَوْتُ حَتَّى يُخْرِجَهُ عَنْهَا وَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفَى رِزْقَهُ مِنْهَا».

امام (علیه السلام) (درباره روزی) فرموده است: ۱- روزی دو جور است: یکی تو را می‌جوید و دیگری را تو می‌جویی، پس کسی که دنیاخواه باشد (برای روزی خود را به رنج اندازد) مرگ او را می‌طلبد تا از دنیا بیرون‌اش برد، و کسی که آخرت خواهد (به طاعت و بندگی مشغول بوده و بیش از نیاز برای روزی تلاش نکند) دنیا او را می‌طلبد تا او از آن روزی خود را تمام بستاند (خلاصه روزی جویای طالب آخرت و دنیاخواه جوینده روزی است).

نتیجه بحث

حیات طیبه مظهري از حیات حقیقی خداوند است. حیات طیبه به نوعی حیاتی اخلاقی است؛ زیرا زمانی که اخلاق انسان مظهر اخلاق الهی شود، توانایی رسیدن به قرب الهی و دستیابی به مقام خلیفه الهی را پیدا می‌کند. بیانی دیگر از حیات طیبه اینکه این حیات همراه و محیط بر حیات دنیاست؛ از دنیا شروع می‌شود و در آخرت نیز، انسان از آن بهره مند است. مطابق کلام وحی، عمل صالح همراه با ایمان، برای هر مرد و زن،

حیات طیبه را در پی دارد؛ این حیات، در نهج البلاغه، به معنای قناعت آمده، اما در شروح و تحقیقات، عنایت ویژه‌ای به معنای اصلی آن، نشده است. در کلام امیر المؤمنین تعبیر مختلفی از قناعت به چشم می‌خورد و نتیجه قناعت پیشگی بسیار والا وعده داده شده است، و تأکید می‌کنند قناعت مالی است که پایان نمی‌پذیرد. در پایان می‌توان نتیجه گرفت موانع وصول به حیات طیبه با توجه به میزان ایمان و عمل صالح انسان‌ها و شأن و درجه معنوی‌شان متفاوت است و حفظ رهنمودهای امام علی(ع) می‌تواند راهگشای رسیدن به حیات طیبه و حفظ آن باشد.



کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. ۱۴۲۲ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. ۱۴۰۸ق، روح الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

امین، سیده نصرت. ۱۳۶۱ش، مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.

ألوسی، سید محمود. ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.

پرچم، اعظم. ۱۳۸۲ش، بررسی تطبیقی مسائل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین، اصفهان: کنکاش.

جمشیدی، اسدالله. ۱۳۸۳ش، نگاهی قرآنی به حیات معنوی، تهران: کانون اندیشه جوان.

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۵ش، تفسیر موضوعی قرآن کریم، تهران: رجا.

جوهری، اسماعیل بن حماد. بی تا، الصحاح التاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق احمد عبدالغفور عطاء، مصر: دار الکتب العربی.

حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. ۱۳۶۳ش، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دار العلم.

سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. ۱۴۰۶ق، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

سید قطب. ۱۴۱۲ق، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشرق.

شوکانی، محمد بن علی. ۱۴۱۴ق، فتح القدیر، بیروت: دار ابن کثیر.

طباطبائی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۷ش، جوامع الجامع، تهران و قم: دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه.

طوسی، محمد بن حسن. بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طیب، سید عبدالحسین. ۱۳۷۸ش، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.

- فخر رازی، محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۰۸ق، **العین**، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- فضل الله، سیدمحمدحسین. ۱۴۱۹ق، **من وحی القرآن**، بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. بی تا، **القاموس المحیط**، بیروت: دار الجیل.
- قرشی، سیدعلی اکبر. ۱۳۷۷ش، **احسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت.
- مدرسی، سیدمحمدتقی. ۱۴۱۹ق، **من هدی القرآن**، تهران: دار محبی الحسین.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۶۰ش، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۸۰ش، **تفسیر روشن**، تهران: مرکز نشر کتاب.
- مصطفوی، زهرا. ۱۳۸۵ش، **مبانی نظری اخلاق و تربیت اسلامی**، تهران: اطلاعات.
- مغنیه، محمد جواد. ۱۴۲۴ق، **تفسیر الکاشف**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مهدوی، سیدسعید. ۱۳۸۸ش، **حیات طیبه در یرتو اخلاق**، اصفهان: کیاراد.
- واعظ زاده خراسانی، محمد. ۱۳۷۸ش، **المعجم فی فقه لغة القرآن وسر بلاغته**، مشهد: غوتمبرغ.

مقالات

- پرچم، اعظم. پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش، «**تبیین مفاهیم و موضوعات اخلاقی در قرآن**»، انجمن معارف اسلامی، ش ۱۶-۱۷، صص ۱۳۳-۱۴۹.
- سلگی، مریم و زهره السادات نبوی و ابوالفضل سپاهی. ۱۳۹۷ش، «**رابطه حیات طیبه و قناعت از منظر قرآن و تفاسیر**»، دوره ۹، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۴۳-۱۲۱.

Bibliography

Holy Quran

Nahj al-Balaghah (2000), translation by Mohammad Dashti, Qom, Amir al-Mu'minin (as).

Alushi, Seyyed Mahmoud (1415 AD), *Al-Mu'awi al-Mu'ta'sari al-Qur'an al-Zaym*, Beirut, Dar al-Kot al-Olamiya.

Ibn Juzzi, Abul Faraji Abdul Rahman bin Ali (1422 AH), *Zadalmasir for the science of al-Fatih*, Beirut, Arabic book.

Ibn Muhammad, Mohammad bin Mekram (1414 AH), *Lassan al-Arab*, Beirut, Dasadar.

Abu al-FitooH Razi, Hossein ibn Ali (1408 AH), *Rawz al-Janan and Roh al-Janna'i* by interpretation of al-Qur'an, Mashhad, Islamic Studies Foundation of Astan Quds Razavi.

Amin, SayyedeH Nosrat (1361), *Tavan al-Furan in the interpretation of the Quran*, Tehran, Muslim women's movement.

- Flag, Azam (2003), A comparative study of the issues of revelation and prophecy from the point of view of the Quran and the Prophets, Isfahan, Exploration.
- "Explaining the Concepts and Ethical Issues in the Quran" (Autumn and Winter 2008), Islamic Education Association, p. 1617, p. 133149.
- Jamshidi, Asadullah (2004), A Qur'anic View of the Spiritual Life, Tehran, the center of young thought.
- Javadi Amoli, Abdullah (1996), Thematic Commentary of the Holy Qur'an, Tehran, Raja.
- Inkari, Ismail ibn Hamad (bita), al-Sahaq altaj al-laghah and Saha al-Arab, research by Ahmad Abdul Ghafour Ata, Egypt, Dar al-Ka'tab al-Arabi.
- Hosseini Shah Abdol Azimi, Hossein ibn Ahmad (1363), Interpretation of Tnah Eshri, Tehran, Meybat.
- Raghib Isfahani, Hossein ibn Muhammad (1412 AH), Almfrdat al-Gharib al-Quran, The study of Safwan Adnan Davoodi, Beirut, Al-Dharal alam.
- Sabzevari Najafi, Mohammad bin Habibullah (1406 AH), Al-Jadid al-Tafsir al-Quran al-Majid, Beirut, Dar al-'Albar for the press.
- Seyyed Qottab (1412 AH), in the Zelal al-Quran, Beirut, the Islamic Republic of.
- Shokani, Mohammad bin Ali (1414 AD), Fatah al-Qadir, Beirut, Dar ibn Kathir.
- Tabataba'i, Seyyed Mohammad Hussein (1417 AD), Al-Meizan, Tafsir Al-Quran, Qom, Teacher's Society.
- Tavassari, Fazl ibn Hasan (1998), Societies of Al-Juma, Tehran and Qom, Tehran University and the Center for the Management of the Seminary.
- (1372), Assembly of the Holy Quran, Tehran, Nasser Khosrow.
- Tusi, Mohammad b. Hassan (B), Al-Tbayan al-Taqsir al-Quran, Beirut, Dar al-'Arth al-Arabi.
- Tayeb, Seyyed Abdol-Hossein (1999), Atib al-Bayan by interpretation of Al-Qur'an, Tehran, Islam.
- Fakhr Razi, Mohammad bin Omar (1420 BC), Mu'tatieh al-Ghib, Beirut, Darahiyat al-Arab al-Arabi.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1408 AH), Al Ain, Beirut, Institute of Literature and Literature.
- Fazlullah, Seyyed Mohammad Hussein (1419 AH), I am Wahi Al-Quran, Beirut, Daralmalk and Lalat-Baha and Al-Nashr.
- Firoozabadi, Mohammad bin Yaghoub (Beti), Al-Qamus al-Muhifat, Beirut, Dar al-Jalil.
- Gharashi, Seyyed Ali Akbar (1377), Ahsan al-Hadith, Tehran, Behsat Foundation.
- Modarresi, Seyyed Mohammad-Taghi (1419 AH), I Hadi Al-Quran, Tehran, Dar Mohibi al-Hussein.
- Mostafavi, Hassan (1360), Al-Thakayeq Faylatam Al-Quran al-Kiraim, Tehran, Translation and Publishing Agency.
- (1380), Clear Commentary, Tehran, Book Publishing Center.
- Mostafavi, Zahra (2006), Theoretical Foundations of Ethics and Islamic Education, Tehran, Information.
- Mughniyeh, Mohammad Javad (1424 AH), commentary commentary, Tehran, Dar al-Kabul al-Islam.
- Makarem Shirazi, Nasser and others (1374), Sample Interpretation, Tehran, Dar al-Kabul Eslamyeh.
- Mehdi, Seyyed Sa'id (2009), Life of Tayyeb in Behavioral Ethics, Isfahan, Kayard.
- Vaezzadeh Khorasani, Mohammad (1999), Al-Mu'ayyqi Fiqh al-Laghah al-Quran and Rāghāte, Mashhad, Ghulam Abbagh.

Explaining Quranic Reading of “Contentment” as the Factor of Pure life’s Interpenetration in Nahj Al Balaghah

Seyyed Ali Seyyed Taher Al Dini: Faculty of Philosophy, Education, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Mahshid Izadi: Faculty of Philosophy, Education, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Najmeh Vakili: Faculty of Philosophy, Education, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Abstract

The way and type of life that God introduces to human is the pure life (Hayat Al Tayyeba), which is a manifestation of God's real life; the life saturated purity and innocence free of treachery and contamination; begins with faith and good deeds and continues to the perfection of servitude and makes mankind close to his Lord. The present article studies harmony interpenetration of Hayat Tayyeba in Nahj Al – Balaghah according to its definition and concept. Righteous deeds based on the sermons, letters and wisdoms of *Imam Ali (AS)* are selected among intended criteria by Hayat Tayyeba are selected and documented followed by presenting explanations and criteria.

Keywords: Hayat Tayyeba, Nahj Al – Balaghah, Contentment, Quran.